



تبلیغ شفاهی و موزون تعالیم آسمانی

سیدضیا آل رسول

آشاره:

هنر؛ پدیده جهانی و بشری است که در همه ابعاد زندگی انسان در طول روزگار آن و در میان همه ملت‌ها و امتهای بوده و خواهد بود و همه در تحسین آن شرکت دارند. همان گونه که نمی‌توان ویژگی شعور و درک را در انسان‌ها در بستر زمان نادیده گرفت، از هنر آفرینی و خلاقیت و ابداع نیز به عنوان نماد بشری و زندگی اجتماعی آنان نمی‌توان چشم پوشید. در جامعه اسلامی، از زمان حضرت رسول (ص) و امامان (ع) همواره هنرمندان مورد احترام و تقدیر و تشویق بوده‌اند و لذا هنرمندان متعهد به ویژه شاعران در زمان تشریح، صحابه، تابعان و پیروان آنها، از منزلت خاص برخوردار بودند.

هنر و زیبایی از دیدگاه اسلام

در منابع و مبانی فقه اجتهادی، زیبایی مطرح شده است. زیبایی که موضوع هنر است، به طور کلی بر دو نوع است:

الف- زیبایی در جهان هستی.

ب- زیبایی که از راه اندیشه‌های درخشان و متعالی انسان‌ها به نمایش درمی‌آید.

قرآن در تعریف آفرینش، سخن از زینت و زیبایی به میان می‌آورد و زیبایی منظره آسمان با ستارگان را به مردم گوشزد می‌نماید و به خود نسبت می‌دهد؛ از جمله:

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَكِبِ؛ ما آسمان دنیا را با زینتی آراستیم و زیبا ساختیم که آن زیور عبارت است از ستارگان.

و زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ؛ آراستیم آسمان دنیا را به چراغ‌هایی.

و لَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ زَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ؛ ما قرار دادیم در آسمان برج‌هایی و آنها را زیور بخشیدیم برای بینندگان.

همچنین در آیاتی از زیبایی ترکیب انسان و چهره، سخن به میان می‌آورد؛ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ ما انسان را در نیکوترین ساختار آفریدیم.

از رسول خدا نقل شده که فرمود: «ان من اجمل الجمال الشعر الحسن و نغمه الصوت الحسن»؛

از زیباترین زیبایی‌ها موی نیکو و آواز نیکو است.

و فرمود: «الشعر الحسن من كسوة الله فاكرموه»؛ موی زیبا از جمله پوشش‌های خداوند است، پس آن را گرامی دار.

امام صادق (ع) فرمود: «من اتخذ شعرا فليحسن ولايته او ليجزه»؛ کسی که مایل است موی بلند داشته باشد، باید از آن نیکو مراقبت نماید و گرنه آن را بچیند و کوتاه کند.

در روایت دیگر، رسول خدا (ص) فرمود: «حسن الخط من مفاتيح الرزق»؛ نیکویی خط از کلیدهای روزی است.

بر خلاف نظر کسانی که فقه اجتهادی را مخالف با انواع هنرها می‌دانند، روح دیانت، بر زیبایی و

ظرافت و آراستگی تکیه دارد. فقه اجتهادی، مکتب روح و عواطف و احساسات پاک فطرت است و قوانین آن با آهنگ موزون فطرت هماهنگ است. خداوند همه چیز را در نیکوترین شکل آن آفریده و زینت و زیبایی و استواری و نظم را نشانه‌ای از نشانه‌های خود معرفی کرده است. با داشتن چنین باوری، هرگز نمی‌توان پذیرفت که اسلام به عنوان یک دین الهی، با همه زیبایی‌ها و جلوه‌ها و هنرها و صداهای دلپذیر و روح‌انگیز هستی به جدال و مبارزه برخاسته و آنها را نکوهیده باشد.

حدود اسلامی در آفرینش هنر

هنرمند اگر چه در کار هنری‌اش آزاد است و می‌تواند با زبان هنر احساسات خود را ابراز کند، ولی باید کوشش نماید که حدود اسلامی را در کار هنری خود رعایت نماید؛ زیرا آثانی که با انشاد شعر، یا خواندن سرود و یا ساختن آهنگ‌های مفید و یا با هنرهای نمایشی، موازین شرعی را حفظ می‌کنند، از لطافت و جذابیت بیشتری برخوردار می‌شوند. هنرمندانی که این‌گونه باشند، در راه رشد و تعالی فرهنگ و مبانی جامعه اسلامی گام برمی‌دارند و باید از احترام خاص و ویژه‌ای برخوردار باشند.

زینت و زیبایی و جلال و جلوه‌ای که در عالم ماده مشاهده می‌شود، از یک سوی برای بهره‌وری انسان است و از سوی دیگر مایه هدایت و حق‌جویی و حق‌شناسی و نیز آرزومندی است. زیبایی‌ها در زندگی مادی از یک جهت مایه جذب انسان به سوی منشأ جمال و کمال هستی و از جهت دیگر ملاک آزمایش و گرایش انسان به زیبایی‌های معنوی است؛ لذا در بهره‌وری از مظاهر زندگی نباید حد اعتدال را فرو گذاشت.

هنرها نمایانگر استعداد و نبوغ فوق‌العاده و نمایشگر عشق انسان به امور واقعی است. پس هیچگاه نباید او را محدود کرد، مگر در آن جایی که برای جامعه ضرر داشته باشد و افراد را به انحراف و فساد و تباهی بکشاند.

هنر بیانی است عمومی و جهانی برای بهسازی جامعه و از این نظر همواره مورد توجه فقه اجتهادی بوده و هست. هنر نمی‌تواند به خودی خود هدف باشد و یا وسیله‌ای برای فساد جامعه قرار گیرد. هنرمند اگر چه به هنرش خرسند است، لیکن باید برای تبیین حقایق و واقعیات دینی و اخلاقی و اجتماعی از هنر استفاده کرد.

در هر حال خداوند، انسان را برای رسیدن به کمال آفریده است و همه مظاهر جهانی را وسیله تکامل و در خدمت او قرار داده است. پس همه هنرها و زیبایی‌ها و جلوه‌های جهان هستی، در حقیقت وسائل و ابزارهایی هستند که انسان‌ها از آنها باید در جهت تعالی و تکامل معنوی و مادی خود استفاده کنند، نه در راه انحطاط و تنزل و انحراف و فرومایگی.

هنر زاده اتحاد و همدستی تنگاتنگ ماده و صورت است. هر اندازه این همگامی و ارتباط بیشتر و پیروی ماده از صورت که به سبب این اتحاد است پرمایه‌تر باشد، هنر کامل‌تر است و بدین جهت بعضی از هنرها که جنبه معنویشان زیاد است، از هنرها دیگر به کمال نزدیک‌تر هستند.

زیبایی‌های طبیعی و غریزی که از آن جمله هنر و الحان خوش همراه با موسیقی را می‌توان نام برد، بخشی از همان ابزارها و وسایل است که مانند بسیاری از مظاهر هستی می‌تواند مورد استفاده صحیح و مفید و سازنده و یا مورد استفاده غلط و نادرست و انحرافی قرار گیرد و این انسان است که با راهنمایی وحی آسمانی و هدایت باطنی عقل، می‌بایست این زیبایی‌ها و هنرها را در راه کمال انسانی خویش به خدمت گیرد. یکی از ملاک‌های کلی در تعیین راه‌ها و شیوه‌های صحیح بهره‌گیری از جلوه‌های هستی و تمیز آن از گونه‌های ناشایست، تأثیر آنها در رشد یا انحطاط اخلاقی، فکری، فرهنگی و معنوی انسان می‌باشد.

انسان به وسیله عقل سلیم (در مستقلات عقلیه) و در مواردی به وسیله شریعت (در غیر مستقلات عقلیه) به راحتی می‌تواند حقیقت فوق را تمیز دهد؛ منتها در برخی موارد حکمت‌ها و علت‌ها و تأثیرهای واقعی، از دسترس اندیشه و علوم بشری خارج است و انسان به ظاهر آن را منشأ کمال و خوبی و پیشرفت می‌شناسد، در حالی که شریعت و وحی آسمانی بر اساس واقع‌نگری آن را عامل عقب‌ماندگی و بدی و انحطاط معرفی می‌کند. پس هنرها و سروده‌ها و شعرها و آهنگ‌ها باید به گونه‌ای باشند که بتوانند احساس‌های درونی پسندیده و سازنده انسان (مانند امید، ایمان، رحم، محبت، عطف، کمک به محرومان و مستضعفان، مقاومت، ایثار و جز این‌ها را) به تصویر کشند و به آنها تجسم بخشند.

اسلام با هنری که بدین جهت، باعث



اتسلاف وقت و هدر دادن عمر شود یا باعث فساد و انحراف گردد یا باعث تهییج شهوت و غلبه هوای نفس شود یا انسان را از یاد خداوند غافل کند یا موجب کمک به ظلم و ظالم یا آزار دیگران باشد، مخالف است.

جامعه‌ای که از وجود هنرمند محروم است، زینت ندارد؛ چون هنر و فن، زینت فرد و جامعه است. رهبر کبیر انقلاب درباره هنرمندان فرمودند: اهل هنر از موهبتی خاص برخوردارند که انسان‌های معمولی از آن محرومند.

منزلت شاعران در نزد پیامبر و امامان

شعر و ادبیات، در هر ملت و قومی، بخشی از فرهنگ آن را تشکیل می‌دهد. از این روی شعر و ادب در زمان‌های گذشته و زمان کنونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا آنجا که در تکامل اندیشه بشر و پیشرفت فرهنگ و هنر نقشی اساسی را داراست و از همین زاویه خود تشکیل دهنده گوشه‌ای از تاریخ هم محسوب می‌شود. قرآن در کلامی زیبا، شاعران باایمان و متعهد را از شاعران غیر اهل ایمان جدا ساخت و این نمایانگر ارزش شعر هدفدار از دیدگاه قرآن است.

پیامبر (ص) به شعر عنایتی خاص داشت و همواره شاعرانی را که در تأیید و یاری اسلام و جنبه‌های اخلاقی شعر می‌سرودند، مورد لطف و تشویق قرار می‌داد و بدین جهت بود که بسیاری از اصحاب و یاران رسول خدا در قصیده‌سرایی ضرب‌المثل گشتند.

در غدیر خم، پس از خطبه‌های رسول خدا، «حسان بن ثابت» نخستین ابیات را در ثبت آن واقعه تاریخی سرود و از محبت‌های رسول خدا برخوردار شد. شاعران مشهور دیگری که در واقعه غدیر در زمان اصحاب و تابعین شعر سرودند، عبارتند از: قیس بن سعد بن عباد، محمد بن عبد الله حمیری، عبدی کوفی، ابو تمام طائی و مانند این‌ها که اشعارشان را بسیاری از مورخان نقل کرده‌اند.

پیامبر به یکی از شاعرانی که مدافع اسلام بود، فرمود: «هج المشرکین فان روح القدس معک ما هاجیتهم؛ مشرکان را هجو کن؛ تا زمانی که آنها را هجو نمایی، جبرئیل با توست».

کمیت بن زیاد اسدی، متوفای سال ۱۲۶ هـ.ق، یکی از شعرای بزرگ بود و بیشتر قصاید و سروده‌های او در مدح و ستایش

بنی هاشم بود و بدین جهت سروده‌های او را «هاشمیات» می‌گویند. او بسیاری از قصیده‌های خود را در مجلس امام زین العابدین (ع) و امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) سرود.

کمیت بن زیاد در مدینه مورد احترام خاص امام محمد باقر (ع) بود. او زمانی که قصیده‌اش را سرود، امام خوشحال شد و به او فرمود: «اگر مال می‌داشتم هر آینه به تو عطا می‌کردم، ولی من برای تو می‌گویم آنچه را که رسول خدا درباره حسان بن ثابت گفته است: لا زلت مؤیداً بروح القدس ما ذبیت عنّا اهل البیت...»^{۱۰} کمیت مورد محبت امام صادق (ع) نیز بوده است. روزی امام تمام اهل منزلش را جمع کرد و از او خواست که قصیده‌اش را بخواند. او هم امر امام را امتثال نمود و هنگامی که به

**هنر زاده اتحاد و همدستی
تنگاتنگ ماده و صورت
است. هر اندازه این
همگامی و ارتباط بیشتر
و پیرویی ماده از صورت
که به سبب این اتحاد
است پرمایه‌تر باشد، هنر
کامل‌تر است.**

این شعر رسید:
یصیب به الرامون عن قوس غیر هم
فیا آخر اسدی له الغی اول

حضرت دست‌های خود را به طرف آسمان بلند کرد و گفت: «بار الها! کمیت بن زیاد را از آنچه که در پیش انجام داده و آنچه را که بعداً انجام می‌دهد و در آنچه که در پنهان و در آشکار انجام داده، پیامرز. خدایا به او آن مقدار بده تا راضی شود»^{۱۱}
دعبل خزاعی، شاعر اهل بیت متوفای سال ۲۴۶ هـ.ق نیز از این دسته از شاعران بود. شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا، روایت می‌کند: روزی دعبل در مرو بر حضرت رضا داخل شد، به حضرت عرض کرد: من درباره شما اشعاری سروده‌ام، ولی بنا گذاشتم که پیش از شما برای احدی نخوانم. حضرت فرمود: بخوانید. او هم با همان صدای جالب و دلپذیر خود قصیده معروفش را خواند.

هنگامی که به این شعر رسید: اری فیئهم فنی غیرهم متقسما و ایدیهم من فیئهم صفرات؛ امام گریه کرد و به او فرمود:

درست گفته‌ای.

دعبل شاعری بسیار خوشخوان و از احترام خاص نزد حضرت رضا (ع) برخوردار بود. هر گاه در مجلسی که حضرت رضا (ع) بود، وارد می‌شد، او را مورد تقدیر و احترام قرار می‌داد و در کنار خود می‌نشاند و چندین بار او را با دادن هدایا مورد تشویق قرار داد.

اشعار شاعران از نظر الفاظ، زیبا و از نظر محتوا، عالی و از نظر مضمون، لطیف بوده است و اگر شعری دارای این ویژگی‌ها باشد، به اعماق دل انسان هانفوذ می‌کند.

مذمت نکردن شاعران مؤمن در قرآن

شعرا اگر چه در قرآن کریم مورد مذمت قرار گرفته‌اند، ولی باید دانست که خداوند در کلامی زیبا و کوتاه، شاعران متعهد و مؤمن را از سازندگان اشعاری که غاؤون (گمراهان) پیروان آنها هستند، جدا ساخت: وَ الشّعراءُ یَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ (۲۲۴) لَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ یَهِيمُونَ (۲۲۵) وَ أَنَّهُمْ یَقُولُونَ مَا لَا یَقُولُونَ (۲۲۶) اَللّٰهُ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَذَكَرُوا اللّٰهَ کَثِیْرًا...^{۱۲}؛ شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند... مگر آنهایی که ایمان آورده و کارهای نیک انجام می‌دهند و خداوند را بسیار یاد کنند.

این استثناء در آیه مبارکه نشانگر ارزش و اهمیت شاعران باایمان و دارای عمل صالح می‌باشد. شیخ صدوق از امام صادق (ع) نقل فرمود: من قال لنا بیت شعر بنی الله له بیتا فی الجنة.^{۱۳} همچنین فرمود: «ما قال فینا قائل بیت شعر حتی یؤید بروح القدس»^{۱۴}.

امام صادق (ع) به شیعیان امر می‌فرمود که به فرزندانشان برخی اشعار را تعلیم دهند. در رجال کشی از امام صادق (ع) نقل شده است: «یا معشر الشیعة علموا اولادکم شعر العبدی فانه علی دین الله»^{۱۵}؛ به فرزندان خود اشعار عبدی را بیاموزید که او بر دین خداست.

در هر حال رسول خدا و امامان به شعر اهمیت می‌دادند و شاعران را در نشر حماسه حق، همواره تشویق و تشویق می‌کردند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. صفات، ۶.
۲. فصلت، ۱۲.
۳. حجر، ۱۶.
۴. تین، ۴.
۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۵.
۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۶، حدیث ۳۲۹.
۷. همان، ص ۷۵، حدیث ۳۲۸.
۸. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۳۱.
۹. ربیع الأبرار و نصوص الاخبار زمخشری.
۱۰. القدر، ج ۱، ص ۱۱.
۱۱. همان، ج ۲، ص ۷.
۱۲. شعراء، ۲۲۴ - ۲۲۷.
۱۳. بحار الانوار، جلد ۲۴، ص ۳۳۱.
۱۴. همان.
۱۵. مراجعه شود به کتاب رجال کشی.